

ترجمه شفصده ماله انجیلواى چهارگانه

Diatessaron Persiano

یكى از ایران شناسان ایتالیایی بنام **مسینا** Giuseppe Messina s. j. که در ۲۸ ژوئیه ۱۹۵۱ میلادی بشهر « مسین » (Messine - شهری است در جزیره سیسیل) درگذشت در همین سال بچاپ کتابی کامیاب گردید که از نغایس آثار یارسی زبانان و در خور تعظیم است . مسینا از دست پروردگان خاور شناس نامدار و دانشمند آلمانی ، مارکوارت Markwart (متوفی بسال ۱۹۳۰) بود . وی ، یاره‌ای از آثار مارکوارت را بچاپ رسانید که از آنجمله است کتابهای :

- 1- Das erste Kapitel der Gâpâ ushtavati (Jasna 34.), Romae 1950.
 - 2- Aeatologue of the provuieial of Êrânsahr, Pomae, 1930.
- از آثار خود مسینا آنچه چاپ شده اینست :

- 1- I Magie a Betlemme e una predizionie di Zoroastro, P. 104. Romae, 1933.
- 2- Indzi di lirica ascetica e mistica Persiana, P. 53. Romae, 1938
- 3- Libro apocalittico Persiano Ayâtakâr - i Zamâspik , P . 156 . Romae, 1939.
- 4- Notizia su un Diatessaron ersiano tradotto dal siriano. P. 128 (Tav. 1-11). Romae, 1943.
- 5- Diatessaron ' ersiavno. I- Intraduzione. II- Testo e Traduzione. Romae, 1951.

این پنجمین کتاب گرانقدر که از زیر دست او بیرون آمده و اینک بدست ما یارسی زبانان افتاده است ترجمه فارسی کهنی است از انجیل‌های آمیخته چهارگانه (Diatessaron) که آنها را بنام‌های متی ، مرقس ، لوقا و یوحنا میشناسیم .

« انجیل » که بمعنای نوید است از رایجترین کتابهاست و کتابی است که بزبانهای مختلف جهان بارها ترجمه شده و از جمله چندین بار بزبان فارسی درآمده است . اکنون نسخه‌های خطی از ترجمه‌های گوناگون آن در کتابخانه‌های نامداری چون کتابخانه‌های دانشگاه کمبریج ، دانشگاه ادنبروگ (۱) ، بریتیش موزیم ، ملی یاریس و بودلیان وجز اینها (۲) باز مانده است . انجیل در زبان فارسی گناه بسبب علاقه یا پیوندی که پادشاهان ایران بآن داشتند ترجمه

- ۱- در کتابخانه ادنبروگ ترجمه‌ای از انجیل که مورخ ۸۵۴ است و چهار انجیل را دربردارد موجود میباشد ، نگاه کنید بهص ۱۴۷ از کتاب A Descriptiv catalogue of the Arabic and Persian Manuscripts in Edinburgh university library.
- ۲- از جمله انجیل فارسی کتابخانه سلطنتی طهران بسیار گرانها و واجد اهمیت است .

میشد ، چنانکه نادرشاه چون از هند بازگشت خواست تا انجیل را بفارسی برگرداند . چند تن از ارمنی ها بدستباری و همکاری میرزا مهدی خان استرآبادی دبیر این کار را بیابان بردند . چون آن ترجمه آماده شد بنادر تقدیم داشتند و آنرا با حضور کشیشان مسیحی از بهروی میخواندند . بیشتر تاریخ نویسان این گوشه از تاریخ را یاد آور شده اند . (۱) اکنون نسخه این ترجمه با گذشتن سه سده در کتابخانه ملی پاریس نگاهداری میشود و ادکار بلوشه (Edgare Blochet ، ۱۸۷۰-۱۹۴۷ میلادی) (۲) در فهرست نسخ خطی کتابخانه مزبور از آن یاد کرده است . (۳) این نسخه تنها ترجمه پنج کتاب نخست از عهد جدید را که در نزد اروپائیان به *peutateuque* مشهورست شامل میباشد .



از مطلب خود دور ماندم . کتاب مورد سخن در نگاه نخست برای خواننده کتابی بجز انجیل مینماید ، زیرا آنرا همان با ترجمه معمولی انجیل نمی یابد . اما این کتاب همان چهار انجیل است با این تفاوت محسوس که درهم آمیخته شده است . این آمیختگی برای نخستین بار بوسیله مردی بنام تاسیان (۴) (در انگلیسی *Tation* ، در فرانسوی *Tatien* و در لاتین *Tatianus* و در عربی طاطیانوس) پدید آمد . او که از مردم بین النهرین بود و در حدود سال ۱۲۰ میلادی متولد شد چهار انجیل را یکدیگر در آمیخت و از مجموع آنها سرگذشتی برای مسیح پدید آورد و نام آنرا « دیاتسارون » نهاد . دیاتسارون کلمه ای مرکب و یونانی است و از دو کلمه « دیا » و « تسارون » ترکیب شده است . معنای جزء اول کلمه « با » و « در » میباشد . جزء دوم هم شماره چهار است . این کلمه مرکب را در دارو سازی اصطلاحاً بدارو های مرکب چهار تائی گفته اند مانند تریاک دیاتسارون (*Theriaque Diatessarou*) . در لغت « النجاری بک » به معنای چهار گانه ترجمه شده است (۵) . تاسیان هم چون چهار انجیل را درهم ریخت و مواضع آنها را طبق تقدم و تأخر تاریخی سرگذشتها و سخنان مرتب ساخت برای کتاب خود عنوان دیاتسارون را اختیار کرد . این کار با اساس انجیل های چهار گانه خدشه ای وارد نیاورد . تاسیان تنها آیه ها و فصل ها را بروجهی ترتیب داد که کتاب حاصل از آن چون یک کتاب گردید .

۱- نگاه کنید به تواریخی که درباره زندگی و جنگهای نادر نوشته شده است . عبدالکریم نامی که همراه سیاه نادر از هند با ایران آمد ، در یادداشتهای خود مینویسد : « نادر ، میرزا مهدی اصفهانی را (که استرآبادی درست است) امر داد که بجهودان و نصرانیان مراجعه کرده ترجمه فارسی این کتب (توراة و انجیل) را بدست آورد . میرزا مهدی فوراً بکار پرداخته روز و شب مشغول انجام مأموریت مزبور گشت . بالنتیجه دیدم با هفت نفر عالم متبحر در این کتب بقزوبین بساز آمد و ترجمه کاملی از کتب مزبوره تهیه کرده شخصاً بشاه تقدیم داشت . » یادداشتهای عبدالکریم از فارسی بفرانسه ترجمه شده است . آقای محمود هدایت آنرا از فرانسه بفارسی در آورد . چاپ طهران ، ۱۳۲۲ شمسی .

۲- مرحوم محمد قزوینی سرگذشت زندگی او را در مجله یادگار سال دوم شماره ۱۰ نوشته است .
۳- نگاه کنید به

Catalogue des Manuscrits Persans, vol. IV, Paris 1934, p. 166.

۴ - Webster's Biographical Dictionary

۵ - قاموس فرانساری و عربی تألیف محمد النجاری بک ، اسکندریه ، ۱۹۰۳ ، جلد اول - برای معنی لنوی این واژه به فرهنگهای بزرگ اروپائی نگاه شود . در عربی دیاتسارون نویسند .

تاسیان از لحاظ عقیده فلسفی در ابتدا پیروی از افلاطون میکرد. همیشه آرزو داشت که به اصول عقاید و مبانی ادیان مختلف جهان آشنا شود، از اینرو به جهان گشتن آغاز کرد. چندی در شهر رم زیست و دیری نپایید که بسوی شرق سفری شد. وی در پایان عمر افکار خاصی ابراز میداشت که نیمی از آن مبتنی بر اصول آئین مسیحیت و نیمی متخذ از عقاید فلسفی افلاطون بود. او بدو پروردگار (خدای نیکی ها و خدای بدیها) قائل بود. از این نکته شاید بتوانیم گفت که مذهب زردشت را هم پژوهش کرده بود. به پیروان او در تاریخ مسیحیت Encratites گفته اند. (۱)

تاسیان، «دیاتسارون» را بزبان سریانی گرد آورد و افسوس که اینک اصل آن بدست نیست. این کتاب بعدها بزبان عربی هم ترجمه شد. (۲) مترجم عربی آن دانشمند و طبیب بزرگ ابوالفرج ابن الطیب (معاصر ابن سینا) است. نویسندگان عرب چون ابن ابی اصیبعه تهرانوشته اند که وی انجیل را شرح کرد، در حالیکه ابن الطیب گرد آورده تاسیان را هم بعبری در آورد. (۳) شاید این اشتباه از اینجا ناشی است که تاسیان در برخی از جاها تفسیری بر مطالب انجیل میآورد.



ترجمه فارسی «دیاتسارون» که بوسیله مسینا بچاپ رسید، بسبب منشآت دوران مغول و بازمانده همان هنگام است. از اینروى و از جهات دیگر این کتاب واجد مزایای بسیار و یادآور گذشته مسیحیت در ایران میباشد.

نسخه خطی این ترجمه در کتابخانه Bibliotheca Mediceae Laurentinanae et Palatinae در شهر فلورانس (از شهرهای ایتالیا) محفوظ است. این نسخه بقطع ۲۵×۱۸ سانتیمتر است و صفحات آن با شماره «ب» ۲۰، آغاز میگردد و به «فقط» ۱۲۹۰ پایان میپذیرد. مسینا از آن پس که بوجود این نسخه آگاه شد بمطالعه دقیق آن پرداخت و حاصل مطالعات خود را بصورت کتابی در سال ۱۹۴۳ در شهر رم بچاپ رسانید. (۴) سپس به چاپ متن فارسی و ترجمه ایتالیایی آن اهتمام کرد و گمانم اینست که پیش از پایان یافتن چاپ کتاب از جهان درگذشت. این کتاب بجز سرآغاز کوتاهی که دارد مشتمل بر دو بخش است: ۱- مقدمه ۲- متن فارسی و ترجمه ایتالیایی.

مسینا در مقدمه بمسائل مختلفی میپردازد که هر یک از آنها درحد خود از برای روشن شدن موضوع کتاب و علت ترجمه و زمان آن و متن سریانی و مطابقه ترجمه فارسی بامتن سریانی و عبری انجیل

۱- نگاه کنید به Histoire du christianisme par Dom Charles Poulet, Paris, 1932, vol. I. p. 80.

و به Grand Dictionnaire universel por P. Larousse vol. 14.
۲- نگاه کنید به کلمه Syrian Christians در Encyclopaedia of Religion and Ethics-Hastings, vol XII, p. 171.

۳- درباره ابن الطیب نگاه کنید به عیون الانباء فی طبقات الاطباء جزء اول. در لغت نامه دهخدا هم شرحی در چگونگی حال او هست آقای دهخدا ویرا تنها مترجم تورات شمرده اند و او را کتابهایی چند درباره مسیحیت هست. نگاه کنید به «المخطوطات العربیه لکتابه النصرانیه» تألیف الابولویس

شیخو الیسوعی، بیروت ۱۹۲۴ ص ۲۲-۲۳

۴- Notizia su un Diatessaron Persiano tradotto dal siracico. -

ونکات دیگر بسیار سودمند و درخور توجه تواند بود. کتاب در شهر «رم» بازبایستی تمام بچاپ رسیده، و اگر از اغلاط چاپی که گاه بگاه در متن فارسی دیده می‌شد (و همه آنها بسیار ناچیز است) چشم بیوشیم از جمله کتابهای خوش چاپی است که بزبان فارسی در اروپا بچاپ رسیده است. مسینا عکس يك صفحه از نسخه خطی و مینیاتوری از فراهم آورندگان چهار انجیل را که در نسخه خطی موجود است بر ابتدای کتاب افزوده است. مقدمه مسینا در ۶۴ صفحه و متن و ترجمه چهار انجیل در ۳۸۹ صفحه می‌باشد و در پایان جدول راهنمایی برای پیدا کردن آیها اضافه گردیده که بسیار مفید و نافع است.



دیاتسارون یارسی از روی نسخه ای بچاپ رسیده که کاتب بدین عبارت آنرا پایان داده است :

« تمام شد انجیل مقدس مطهر معظم روز دوشنبه بیست و یکم تشرین الاخر از تاریخ ابونا آدم بر شش هزار و نهمصد و هفتاد و سه سال ، از تاریخ اسکندر یونانی بر یک هزار و هشتصد و پنجاه و نه سال ، و از ولادت مسیح بر یک هزار و پنجصد و پنجاه سال ، و از بالا رفتن مسیح بر آسمان سال بر یک هزار و پانصد و هجده سال ، و از تاریخ هجره روز دوشنبه هشتم ماه شوال المبارک سنه تسعمائه اربع و خمسون بردست کمترین بنده بندگان و گناهکار و حقیر و عاجزترین خلائق عالم و عالمیان قس ابرهیم بن شماس عبدالله الحسینکیفی المسیحی السریانی الیعقوبی بحسنکیفی محروسه . » (۱)

دیاتسارون در هنگام پادشاهی مغول ها در ایران از سریانی بفارسی ترجمه شد . سبب ترجمه دیاتسارون و رواج آن در بخشی از ایران بدین مناسبت بود که مسیحیان در دوره ای از پادشاهی مغولها باسودگی و آسایش میزیستند و مذهب آنان مورد احترام و علاقه پاره ای از سلاطین مغولی بود . چنانکه هلاکو که همسرش زنی ترسا بود بامسیحیان بسیار خوش رفتاری میکرد . گذشته از این سلاطین مغول ایران بادر بار پاپ ارتباط داشتند و تحت تأثیر مسیحیت واقع گردیدند . (۲) از این روی روز بروز براهیت کلیسای شرق افزوده میگشت و مسیحیت در ایران بیشتر بسط مییافت و در همه جا دیرها و نمازگاههای بسیار برپا میشد . چنانکه دیر های سرجوس (سرکیس) و باکوس در نیشابور ، و دیرهای

۱) حسن کبف یا حصن کیفا (= کبیا) جایی است با دژی بلند و نامدار در سوی خاوری دجله ، میان آمد و میافارقین (المسالک و الممالک اصطخری - لندن ، ۱۹۲۷ ص ۷۶) . در آنجا نمازگاههای چندی از مسیحیان بود (احسن التقاسیم فی معرفة الاقالیم مقدسی - لندن ، ص ۱۹۶) . منسوبین بآنجا را حصنکیفی یا حصکفی میگویند . به معجم البلدان یاقوت جلد دوم چاپ لایبزیك ۱۹۲۴ نیز نگاه شود .

۲) درباره آغاز ارتباط پادشاهان مغولی ایران بادر بار پاپ نگاه کنید به :

J. Richard : Le début des relations entre la Papauté et les mongols de Perse. Journal Asiatique, 1949, p. 291 - 297

و نیز نگاه کنید به تاریخ مغول (عباس اقبال) ، تاریخ کلیسای قدیم در روم و ایران و تواریخ مربوط به مغول .

سنابرد (مشهد فعی) و حوس نموداری از آنهاست. (۱)

دوران کشتش و بسط مسیحیت در شمال و شمال خاوری ایران که از هنگام پادشاهی مفلوها آغاز شده بود دیری نپایید. چه از هنگامیکه غازان خان از مسیحیت روی گرداند و باسلام گرایید سادی و آسایش هم از مسیحیان روی نهفت. تعصب غازان خان بجائی رسید که کلیساها و کلیسه های مسیحیان و یهودیان را بسوزانید. آخرین اثری که از مسیحیت در خراسان میتوانیم یافت وجود اسقفی در شهر طوس بسال ۱۲۷۹ میلادی است (۲).

باری، منطقه ای که ترجمه دیاتسارون در آنجا رواج یافت سرزمین های مازندران و بخشی از خراسان بود. مناطق مذکور سرزمینهایی است که بسیاری از مسیحیان (نسطوریها و ارامنه) برهنمائی و رغبت مفلوها با آنجا کوچ کردند. چون این کوچ کردگان بزبان پارسی آشنا شدند و در ضمن بخواندن کتاب دینی خود مشتاق بودند مردی که نامش بر ما معلوم نیست بترجمه دیاتسارون همت گماشت و این ترجمه فارسی بوجود آمد و در میان آنها رایج گشت.

مسئله با تحقیقاتی که درباره زمان ترجمه دیاتسارون کرده این نتیجه برایش حاصل آمده است که ترجمه کتاب دیاتسارون بازمانه از سالهای میان ۱۲۲۳ میلادی و پیش از بیان رسیدن قرن سیزدهم است.



متن دیاتسارون با این چند سطر آغاز میشود: «آغاز - کتاب الانجیل المعظم مجموع از چهار سر انجیل علی التوالی بی تکریر، چنانک یک لفظ فرو گذاشته نشد از چهار انجیلی الامه در این کتاب ضبط شده، معین و معین نبشته شد. خدایش بیامرزاد آن خواننده را جون بخواند، نویسنده عاجز مسکین را بخدا بیامرزی یاد آرد. آمین. آمین. آمین.»

فراهم آورنده دیاتسارون کتاب را در چهار باب گرد آورده است. این چهار باب به ترتیب به هفتاد و یک فصل (س ۴ - ۶۹)، شصت و یک فصل (س ۶۹ - ۱۹۰)، شصت فصل (س ۱۹۰ - ۲۸۲) و پنجاه و هشت فصل (۲۸۲ - ۳۷۹) بخش میشود و هر یک از بخشها با عنوانی مشخص است و از اینراه خواننده میتواند موضوع هر یک از بخشها را پیش از خواندن دریابد. ضمناً برای اینکه بتوان دریافت که هر یک از آیهها از کدام انجیل گرفته شده است بایکی از حروف س - ی - م - ل (که نشانه از برای مرقس، یوحنا، متی و لوقاست) آغاز میگردد. شماره آیهها همان شمارههایی است که در انجیل های چهارگانه بکار رفته است.

من از آغاز تا پایان دیاتسارون را خواندم و از میان آن پاره ای لغات و اصطلاحات اصیل و کهن یافتیم که اینک بکلی مهجور افتاده است. سپس ترجمه برخی از جملات را با ترجمه فارسی رایج انجیل (چاپ ۱۹۲۵ لندن) تطبیق دادم و موارد دوگونگی و اختلافی که حاصل آمد در اینجا میآورم.

۱ - واژه های دور افتاده بامورد استعمال آنها:

گوشتمند = جسد، بیکر، بدن، جسم. س ۶ - ۳۲ - ۱۳۲ (و کلمه گوشتمند شد)

جان پاک = روح القدس، در بسیاری از صفحه ها.

کوچک = طفل س ۱۴ - ۱۰۰ (و شد هشتم روز که کوچک را ختنه کنند)

آغاریدن = خیس کردن س ۳۱۶

(۲۰۱) نگاه کنید به مقدمه مسیحا در کتاب مورد سخن س ۱۹

- رگوی** = بارچه کهنه و یاره . ص ۱۸ - ۵۲
- خسیدن آتش** = خاموش شدن و پایان گرفتن آتش . ص ۳۴
- شادناک** = شادمان . ص ۸ - ۱۲ - ۱۴ - ۶۰ - ۲۰۸
- تندیدن** = تندی کردن . ص ۱۴۸ - ۱۵۶
- کشتگر** = کشاورز - برزگر . ص ۲۱۲
- چاشتگاه** = ظهر .
- شله** = خاکروبه دان .
- رز** = مطلق باغ . ص ۲۵۶ و غیره .
- رزبان** = باغبان .
- نشستگاه** = محل نشستن ، نشیمن . ص ۲۹۲
- شستگاه** = جایگاه شستشو ، مفصل . ۸۴
- پروازی بازی کردن** = رقص کردن . ص ۹۶
- دلمانده** = غذا زده . ص ۱۱۰ (چون دست ناشسته درخوان نهاد همه یهودیان و معتزله و زنادقه بدین سبب دلمانده شدند) .
- شفین** = فاخته (مرغی است) ، به برهان قاطع رجوع شود .
- خواندگان** = مدعوین ، دعوت شدگان . ص ۲۶۰
- تسباندن** = له کردن . ص ۲۱۲ (چیزی افتاد میان تلو و خار آنرا بتسباندن . ص ۷۰۸)
- مرغ هوائی** = مرغ پرنده . ص ۲۱۸
- درکاویدن** = مباحثه کردن . ص ۱۲۴
- گرفت گرفتن** = ایراد و بهانه گرفتن . ص ۱۱۴ (و بروی گرفت گیرند) .
- دژمناک** = خشمگین . ص ۱۳۲ - ۱۹۴
- سایگاه** = سایبان . ص ۱۳۴ - ۳۰۲
- خراسیا** = آسیائی که باستور گردد . ص ۱۴۰
- درونده** = دروگر . ص ۱۶۰
- چوب ایمد** = وسیله شخم زدن . ص ۱۶۲ (بروزن ابجد ، رجوع کنید به برهان قاطع)
- خندنده** = خندان ، کسی که میخندد .
- درخت ستون** = درخت قطور . ص ۷۶
- نمازگاه** = کتیبه . ص ۸۶
- شگفت** = معجزه . ص ۸۸ و موارد دیگر .
- تب گرفتن** = تب کردن . ص ۸۸
- برداشتگان** = کسانی که حامل چیزی باشند . ص ۹۰ (در اینجا برداشته اسم فاعل بکار آمده است)
- شورفاده** = تمیید دهنده . ص ۹۰

ماکی = مرغ ص ۲۷۰

لخشنده = کنده شده ، سست شده . ص ۲۷۲ - ۲۷۴

سیلگاه = معبر سیل . ص ۳۳۴

سنگ پرتاو = مسافتی که سنگ پرتاب میشود . (ل ۲۲ ، ۴۱)

دوختمان = مانند ساختمان . ص ۳۵۴ (جبه او بود نادوخته همچنان جبه بافته بی دوختمان)

دولبند = سرپوش (کلاه) ص ۳۶۶ ، مرحوم ذکا الملک فروغی معتقد بوده که چون «دول» معنی

سر نمیدهد باید این کلمه دوربند باشد .

تاریکان = بهنگام تاریکی . ص ۳۶۴ مانند بامدادان و جز این .

داورستان = مرکز قضا . (در ترجمه جدید دارالواکاله آمده است . صرقس ۱۵ ، ۱۶۰)

۲ - پاره‌ای ملاحظات

واژه های زبان ، گنجشک ، سفارش ، پرتاب ، دربان ، خفه و جز اینها در این کتاب بصورت : زفان ، بنجشک ، سیارش ، پرتاو ، دروان و خبه دیده میشود که رایج زمان بوده است و سپس او و ب و ف و پ بهم تبدیل شده اند .

جمع نادرستی چون معجزاتها (ص ۲۰۴) که در سده های نخستین در زبان فارسی رایج بوده در این کتاب هست و این خود دلیلی دیگرست بر کهن بودن ثر آن و نزدیک بودن سبک نگارش آن به متن های کهن .

بهره بسیار سودمندی که از این متن چهار انجیل حاصل است طرز استعمال نامهای خاص و پاره‌ای از اصطلاحات مربوط به مذهب مسیح است مانند :

صفا = بطرس در ترجمه کنونی .

نویسندگان = فقها و این کلمه در بسیاری از صفحات دیده میشود .

حنیفی = خارجی .

معتزله = فریسیان در ترجمه کنونی (قره ای از یهودیان که کناره گیر بودند) ، در بسیاری از جاها .

سودخور = بجاگیر .

تومان = ص ۲۸۲ ، ۲۸۴ ، ۳۲۶ و در ترجمه کنونی در موارد مختلف دینار و قنطار آمده

است و نمیدانیم که در اصل سریانی آن چه بوده است .

مسینا تاجائیکه من بآن برخوردیم پاره‌ای از کلمات را نخوانده . و بعضی راهم نادرست خوانده

است مانند : « موسی گفت عزیز بدار مادرت و بدرت را و هرک بدر و مادر بر بجلد (۴) » ص ۱۱۲ و

« الا آنکه از آسمان بر بر آمد » ص ۱۸۲ که در جمله اول « بر نچاند » و در جمله دوم « بزیر » است ،

مسینا ناگزیر آنها را بصورت مکتوب باز گذارده است .

مترجم دیانسارون از واژه های مهجور عربی در این ترجمه گاه بگاه می آورد ، مانند کلمه زوان که

گیاهی است تلخ و گاه آکنشده و همانند گندم ، که در کشتزار گندم میروید و آنرا دوسریا کرکاس گویند

(در نسخه چایی بقلطه زیوان است) . (۱)

(۱) برای اطلاع به واژه « زوان » نگاه کنید به قاموس کتاب مقدس . بیروت ۱۹۲۸ زیر واژه کرکاس

و نیز به فرهنگهای فارسی مانند بهان قاطع و رشیدی .

۳ - تطبیق ترجمه کهن با ترجمه کنونی (۱)

ترجمه نو کتاب مقدس (چاپ ۱۹۲۵ لندن)

ترجمه کهن دیاتسارون (چاپ مسینا)

و شادناك شد جان من بخدای زندگانی دهنده من
ص ۱۲ (ل ۱-۲۷)

و روح من برهاننده من - خدا - بوجد آمد .

تا روشنائی دهد تاريك نشستگانرا و آنان که در
ستگام مرگند نشسته ، تا استوار سازی پایهای ما
درواه . ص ۱۶ (ل ۱-۷۹)

تاسا کنان درظلمت و ظل موت را نور دهد و پایهای
ما را بطریق سلامتی هدایت نماید .

ملك ملكان مجوس آمده اند از مشرق یعنی زمین
پارس از اوه و ساوه تا بیت المقدس ص ۲۲ (م ۱-۲)
و هرگوشتمندی بتگرد عظمت خدا . ص ۳۲ (م ۳-۴)

ناگام مجوسی چند از مشرق به اورشليم آمده (ترجمه
انگلیسی هم همین سان است)
و تمامی بشر نجات خدا را خواهند دید .

سرهنگان او را می پرسیدند ما نیز چه کنیم ، با
ایشان گفت با کسی مکاوید و بر کسی بهانه وزحمت
منهید، روزی شما میرسد بدان خرسند باشید. ص ۳۴
(ل ۱۴-۳)

سياهيان نیز از او پرسیده گفتند ما چه کنیم ، بایشان
گفت بر کسی ظلم مکنید و بر هیچکس اقترا نزنید
و بواجب خود اکتفا کنید .

آدمم که آتش اندازم در زمین و میخواستم که از
اول دریچد و شستگام دارم که بشورم ولیکن بسیار
می شکیم در درد ، تا تمام شود . ص ۸۴ (ل ۱۲-۱)
۴۹ و ۵۰)

من آمدم تا آتشی در زمین افروزم . پس چه میخواهم
اگر الآن در گرفته است . اما مرا تعمید بیست که
بیایم و چه بسیار در تنگی هستم تا وقتیکه آن
بسر آید .

آمد يك يسه زن مسکینی درویش و دو گروه
ریسمان انداخت (س ۱۲-۴۲)

آنگاه پیرزنی فقیر آمده دو فلس که يك ربع باشد
انداخت .

نتواند کسی اندر رود در خانه پهلوان ورخت خانه
او تاراج کند . ص ۲۰۰ (س ۳-۲۷)

وهیچ کس نمیتواند بغانه مرد زور آور آمده اسباب
اورا غارت نماید .

عیسی بدو گفت کسی نتواند دست خود برچوب ایمد
بنهد و از پس خود نگاه کند و ملکوت خدا را
نشاید . ص ۱۶۲ (ل ۹-۶۲) .

عیسی ویرا گفت کسیکه دست را بشخم زدن دراز
کرده از پشت سر نظر کند شایسته ملکوت خدا
نمیشد .

اینک مقاله را با این سه آیه دلپذیر و پندآموز از این ترجمه کهن بیابان میآورم :

وای بر شما ای توانگران که مزد خود ستدید ،
وای بر شما ای سیران که گرسنه خواهید شدن ،
وای بر شما ای خدندگان که بگریید و اندوهناك شوید .

(۱) نشانه ها ؛ ل=لوقا ، س=مرقس ، ی=یوحنا م=متی ، شماره نخست اشاره به باب و شماره دوم
اشاره به آیه است .